

تاریخ مختصر هنر

لورا پردیو

ترجمہ سعید خاوری نژاد



انتشارات دولتمرد

رشت، ۱۴۰۰

سرشناسه	: پردیو، لورا
عنوان و نام پدیدآور	: Perdew, Laura
مشخصات نشر	: تاریخ مختصر هنر/ لورا پردیو؛ ترجمه سعید خاوری نژاد؛ ویراستار مطهره شکوری.
مشخصات ظاهری	: رشت: انتشارات دولتمرد، ۱۴۰۰.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۹۵۶-۷-۵
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: عنوان اصلی: [2015] A history of art
موضوع	: هنر -- تاریخ -- ادبیات کودکان و نوجوانان
موضوع	: Art -- History -- Juvenile literature
موضوع	: هنر -- تاریخ
موضوع	: Art -- History
شناسه افزوده	: خاوری نژاد، سعید، ۱۳۶۲ - مترجم
رده بندی کنگره	: N۵۳۰۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۶۶۶۹۶۵
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیبا

تاریخ مختصر هنر

نویسنده: لورا پردیو

مترجم: سعید خاوری نژاد

ویراستار: مطهره شکوری

ناشر: دولتمرد

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۰

قیمت: ۱۰۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۹۵۶-۷-۵

تلفن: ۰۱۳-۳۳۵۸۴۶۴۵

همراه: ۰۹۱۱۲۴۸۵۹۶۷

وبسایت: www.dolatomardpub.ir

پست الکترونیک: info@dolatomardpub.ir

فهرست مطالب

۱	پیشگفتار مترجم
۱	روایت خطی تاریخ هنر
۴	درباره این کتاب
۵	هنر چیست؟
۸	بستر
۱۰	کاوش در هنر غربی
۱۱	غارها، حجاری ها و آثار کلاسیک
۱۵	ریشه های سنت غربی
۱۸	هنر رومی
۲۳	قرون وسطی
۲۴	کلیساها
۲۸	تزیین کلیساها
۳۳	تولد دوباره ایده های کلاسیک
۳۴	ریشه کردن رنسانس
۴۰	پیکر انسان
۴۸	طبیعت گرایی
۵۸	پرسپکتیو
۶۱	عبور از آرمان های کلاسیک
۶۵	باروک

۸۴.....رومانتیسیم.....

۸۸.....در آن سوی اقیانوس.....

۹۱.....واقع گرایی.....

۹۷.....امپرسیونیسم و پس از آن

۹۹.....زندگی روزمره.....

۱۰۴.....نور و رنگ.....

۱۱۰.....پسا امپرسیونیست ها.....

۱۲۱.....به سوی قرن ۲۰

۱۲۷.....اکسپرسیونیسم.....

۱۳۴.....کوبیسم.....

۱۳۷.....دادائیسم.....

۱۴۱.....فراواقع گرایی.....

۱۴۸.....هنر در ایالات متحده.....

۱۵۷.....هنر پس از جنگ جهانی دوم

۱۵۸.....اکسپرسیونیسم انتزاعی.....

۱۶۶.....هنر پاپ.....

۱۷۲.....اوهام.....

۱۷۷.....هنر معاصر

۱۷۸.....هنر محتوی پیام.....

۱۹۰.....واسط جدید.....

۱۹۱.....عصر دیجیتال.....

۱۹۳.....ارجاعات

۱۹۵.....مطالعه بیشتر

پیشگفتار مترجم

روایت خطی تاریخ هنر

تاریخ هنر، مطالعه سیر تکوین و توسعه آفرینش هنری انسان در بستر تاریخ است. این رشته چنان که در چند قرن گذشته از زمان ابداع آن توسط وینکلمن^۱ آلمانی در اواسط قرن ۱۸ تا کنون تکامل یافته، به طور معمول به صورت مطالعه خطی دوره های تاریخی بوده است که مرز میان هر دوره، با تغییرات فاحش در سبک آفرینش اثر هنری یا تحولات اساسی در سیاست، جوامع یا دین تعیین می شود.

در حال حاضر مورخان هنر، آن گونه که رایج است، مطالعه سیر تاریخی ظهور آثار هنری را از دوران پیش از تاریخ و از زمانی آغاز می کنند که انسان بر روی سنگ ها و صخره ها یا بر روی دیواره غارها نقاشی هایی بسیار ابتدایی از حیوانات می کشید. با گذر از این دوران و ورود به دوران آغاز اختراع خط و شکل گیری تمدن با محوریت محدوده تمدنی اصلی جهان در بین النهرین^۲ (سومر^۳، اکد^۴، بابل^۵، آشور^۶، عیلام^۷، کاسی ها^۸، هیتی ها^۹، ایران باستان و...) و مصر باستان^{۱۰} (پیش از پادشاهی، پادشاهی کهن، میانه و جدید)، اولین نمونه های جدی آفرینش های هنری انسان که ارزش زیبایی شناختی داشت پدیدار شد.

-
1. Winckelmann
 2. Mesopotamia
 3. Sumer
 4. Akkad
 5. Babylon
 6. Assy
 7. Elam
 8. Kassites
 9. Hittites
 10. Ancient Egypt

سپس هنر در محدوده تمدنی اژه^۱ (سیکلادی^۲، مینوسی^۳ و میسنی^۴) یونانی^۵ (باستان و هلنی^۶) و همچنین اتروسکی^۷ و رومی^۸ مورد توجه محققان قرار می گیرد.

ورود مسیحیت، پایان امپراتوری روم غربی^۹ در اثر حمله قبایل کمتر متمدن اروپایی نقطه عطفی در تاریخ هنر بود و آفرینش های هنری انسان تحت تأثیر رویکرد مذهبی جدید قرار گرفت. امپراتوری روم شرقی^{۱۰} با محوریت شهر بیزانتیوم^{۱۱}، مرکز تحولات می شود. به موازات آن در قرون وسطی^{۱۲} یا میانه، دو دوره رومانسک^{۱۳} و گوتیک^{۱۴} به ویژه در اروپای مرکزی و غربی با محوریت معماری و پیکرتراشی مورد توجه کتاب های تاریخ هنر قرار می گیرد. در برخی از کتاب ها، هنر در سرزمین های اسلامی^{۱۵} در محدوده این دوره قرار می گیرد و معرفی می شود.

نقاشی در قیاس با معماری، در این دوره به حاشیه می رود و تنها با ظهور هنرمندانی از قبیل جیوتو دی بوندونه^{۱۶} در اواخر دوره گوتیک و ظهور آگاهی فکری و هنری مجدد غرب با مرکزیت فلورانس^{۱۷} در ایتالیا، دوره رنسانس^{۱۸} آغاز می شود و فراگیر شدن اومانیسزم^{۱۹} میان متفکران، زمینه ساز ظهور و توسعه سبک های هنری جدیدی با اولویت های

-
1. Aege
 2. Cycladic
 3. Minoan
 4. Mycenaean
 5. Greek
 6. Hellenic
 7. Etruscan
 8. Roman
 9. Western Roman Empire
 10. Eastern Roman Empire
 11. Byzantium
 12. Middle Ages
 13. Romanesque
 14. Gothic
 15. «هنر اسلامی» عبارت دقیق و درستی نیست و نمی تواند معرف تحولات در سرزمین های اسلامی باشد. علی رغم شباهات کلی، هر یک از سرزمین های اسلامی به جهت پیشینه تاریخی غنی و سنت های تاریخی خود، نقش مجزایی در سیر تکامل هنر داشته اند.
 16. Giotto di Bondone
 17. Florence
 18. Renaissance
 19. Humanism

پیشگفتار مترجم ■ ۳

مشابه هنر یونان باستان و روم می شود. بسیاری از کتاب های تاریخ هنر به ویژه نقاشی، نقطه آغاز خود را در این برهه از سیر تاریخی هنر قرار داده اند. رنسانس ایتالیایی با تسری به شمال اروپا، با سبک باروک^۱ دنبال می شود که گونه افراطی تر آن در قالب رویکرد روکوکو^۲ شناخته و بررسی شد.

تحول در سبک ها و شیوه های آفرینش هنری به موازات حرکت رو به جلوی تاریخ و سرعت گرفتن بیشتر تحولات اجتماعی و فرهنگی، افزایش می یابد و شاهد تنوع بیشتری در ظهور سبک های هنری هستیم و به جای استیلای دوره های طولانی مدت، سبک های متعددی می آیند و می روند. هر قرن شاهد ظهور و زوال چند سبک و جریان هنری شاخص می شود و تحولات هر کدام به طور مجزا مورد مطالعه قرار می گیرد.

بازگشت به وقار کلاسیسیسم^۳ یونانی - رومی، این بار در قالب سبک نئوکلاسیسیسم^۴ با محوریت انگلستان و سپس در فرانسه رخ می دهد. در ادامه، در اوج دوره ظهور انقلاب ها و هیجان و تحول خواهی در اندیشه بشر، سبک پراحساس تر رومانتیسیسم^۵ در هنر به ویژه در انگلستان و آلمان پدیدار می شود. سپس واقع گرایی [رئالیسم]^۶، امپرسیونیسم^۷ و پسا امپرسیونیسم^۸ با محوریت نقاشی به عنوان سبک های مهم مورد بررسی قرار می گیرد.

دوره نوگرایی [مدرنیسم]^۹ در هنر و انفجار سبک ها و ظهور روش های شخصی تر که حاکمیت سبک ها را به چالش می کشد، از ویژگی های هنر در قرن ۲۰ است و با ورود به هنر معاصر^{۱۰} در نیم قرن گذشته، استیلای سبک رایج به طور تقریبی از بین می رود و هر هنرمندی به شیوه خاص خود هنر خلق می کند. هنرمندان شاخص به شیوه گذشته وجود ندارند و صدها هنرمند مهم در نقاط مختلف جهان زندگی می کنند. تاریخ هنر به شیوه سابق

-
1. Baroque
 2. Rococo
 3. Classicism
 4. Neoclassicism
 5. Romanticism
 6. Realism
 7. Impressionism
 8. Post-Impressionism
 9. Modernism
 10. Contemporary Art

قادر به جمع بندی و تدوین روایت مختص این دهه های اخیر که در آن زندگی می کنیم نیست و با انبوهی از تنوع در روش مواجه هستیم. به این دلیل، بخش اعظم کتاب های تاریخ هنر، تنها تا آغاز قرن ۲۱ را پوشش می دهند.

درباره این کتاب

کتاب حاضر به عنوان اثری بسیار مختصر درباره تاریخ هنر، با داشتن نگاهی خطی در صدد سیری ساده در دوره های مهم تاریخ آفرینش و خلق هنر توسط بشر است. رویکرد آن، توفقی کوتاه در هر دوره و پرداختی موجز به مهم ترین تحولات، سبک ها و چهره های شاخص است. هدف آن، سیری اجمالی در تاریخ هنر تجسمی با محوریت نقاشی است و معماری و پیکرتراشی کمتر مورد اشاره قرار می گیرد. از بسیاری از دوره ها به سرعت عبور می شود و به طور لزوم، تمام هنرمندان و آثار هنری برجسته معرفی نمی شوند. همچنین از جریان های هنری در مناطقی نظیر خاورمیانه، هند، چین و ژاپن در شرق و تمدن های جنوب شرقی آسیا، آفریقا، آمریکای مرکزی و جنوبی و اقیانوسیه عبور می کند.

این کتاب همچون بسیاری از آثار مشابه غربی، تحت سیطره نگاه انسان معاصر غربی به جهان قرار دارد و نقش شرق در سیر تحول هنر جهان به موازات غرب چندان که شایسته باشد مورد واکاوی قرار نگرفته است و در روایت خطی تاریخ هنر، کمرنگ تر از حرکت جریان به دقت موشکافی شده هنر غرب بوده است و متأسفانه تنها در حد ضمیمه ای یا بخشی کوچک از کتاب های مهم تاریخ هنر جهان پدیدار شده است.

از سوی دیگر، کتاب های تاریخ هنر نیازمند اشارات و ارجاعات تصویری متعدد هستند. به علت استفاده اندک از تصاویر آثار هنری در نسخه اصلی این کتاب و ضرورت همراهی تصویر برای آشنایی بهتر با آثار هنری، از تصاویر متعددی خارج از کتاب به انتخاب مترجم استفاده شد. همچنین مترجم در انتها، بخش مطالعه بیشتر را برای آشنایی با منابع شناخته شده فارسی در رشته تاریخ هنر به منظور مطالعه پیشرفته تر، اضافه کرد.

هدف از ترجمه و انتشار این کتاب، تهیه اثری با پرداختی مختصر به هنر بود تا مملو از تصویر، کتابی جذاب و روان برای علاقه مندان به آشنایی با تاریخ هنر باشد.

هنر چیست؟

بیشتر افراد می گویند که هنگام مشاهده هنر، آن را تشخیص می دهند. اما به راستی هنر چیست؟ هنگامی که واژه هنر را به کار می بریم منظور ما چیست؟ آیا سنگ هایی که در یک رودخانه به ظرافت بر روی هم قرار گرفته اند فرمی هنری محسوب می شوند؟ رنگ های پاشیده شده بر روی بوم چطور؟ یا ستونی تراشیده شده در بنایی باستانی؟ پیکری خطی که

با مداد شمعی کشیده شده چطور؟ بیشتر افراد هنر را چیزی زیبا و خلاقانه در نظر می گیرند که ایده ها یا احساسات مهم را انعکاس می دهد. اما چیزی که از نگاه فرد زیباست، به فرهنگ، ارزش ها و تجربه وی بستگی دارد. مورخان هنر بر این باورند که زیبایی، فقط تصویری رنگارنگ یا مجسمه مرمرینی صیقلی نیست. آن ها اعتقاد دارند که قدرت اثر هنری از توان آن در القای احساس یا بینش ناشی می شود. آیا اثر برای این که هنری در نظر گرفته شود باید توسط یک هنرمند خلق شود؟ در این صورت، چه چیزی باعث می شود فردی هنرمند باشد؟ تا مدت ها پس از اختراع دوربین، عکاسان هنرمند در نظر گرفته نمی شدند. عکس ها نه به عنوان فرمی از هنر بلکه فرآیندی مکانیکی تصور می شدند. امروزه افراد اندکی خواهند که گفت عکاسی هنر نیست.

واسط

در هنر، واژه واسط [مدیوم]، به مواد و مصالحی گفته می شود که هنرمند از آن به منظور خلق اثر استفاده می کند. قدیمی ترین فرم های هنری بشر از طریق حکاکی بر روی سنگ، شکل دادن به گل یا نقاشی بر روی دیوارهای سنگی خلق می شدند. بعدها انسان با تراشیدن مرمر، چوب، عاج و سایر مواد، آثاری هنری خلق کرد. پیکرتراشان امروزی از طیف وسیعی از واسط ها، از پلاستیک گرفته تا فولاد، استفاده می کنند. مردم پیش از تاریخ، از مواد حیوانی، گیاهی و معدنی به منظور ساخت رنگ استفاده می کردند. امروزه نقاشان از رنگ روغن، آکرلیک^۱ و آبرنگ^۱ استفاده می کنند. واسط های جدید مدرن همچنین عبارتند از عکاسی دیجیتال، هنر ویدئویی و رایانه ای.

آن‌ها معتقدند که قدرت اثر هنری، ناشی از توان آن در القای احساس یا بینش است. مشابه آن، هزاران سال است که زنان در دنیای تحت سلطه مردان، هنرمند تصور نمی‌شدند. زنانی که در هنرها مشارکت داشتند اغلب جدی گرفته نمی‌شدند. زنان دیگر، آثار خود را به هنرمندان مرد نسبت می‌دادند یا اثر خود را امضاء نمی‌کردند. اما امروزه در غرب، توانایی‌های هنری زنان به اندازه هم‌تایان مذکر خود ارزشمند در نظر گرفته می‌شود.

آثار مارسل دوشان^۱ هنرمند فرانسوی - آمریکایی در اوایل قرن ۲۰ به دلیل برانگیختن پرسش درباره چیستی هنر و هنرمند بودن، مشهور است. یکی از مشهورترین آثار وی



مارسل دوشان، *مونالیزا* (۱۹۱۹)، موزه هنر فیلادلفیا^۶

بازآفرینی نقاشی مشهور *مونا لیزا*^۲ اثر لئوناردو داوینچی^۳ است. اثر دوشان از نظر اندازه، کوچک‌تر از اثر اصلی است و پیکر [درون نقاشی]، ریش و سیبیل دارد. دوشان در صدد به تمسخر گرفتن علاقه شدید جهان به *مونا لیزا* و احترام نقاشی‌های رنگ روغن بود. اثر او می‌گوید که هر چیزی تا زمانی که به عنوان هنر دیده شود، می‌تواند هنر باشد.

اندی وارهول^۴ هنرمند آمریکایی پاپ [آرت]^۵ نیز به چیستی هنر اشاره کرد. او گفت که هنر به هیچ وجه درباره مهارت یا زیبایی نیست، بلکه درباره انتقال یک ایده است. او معتقد بود که هنر زبانی بصری است. بنابراین، کیفیت اثر باید نه از طریق

1. Marcel Duchamp
2. Mona Lisa
3. Leonardo da Vinci
4. Andy Warhol
5. Pop art
6. Philadelphia Museum of Art

هنر چیست؟ ■ ۷

توانایی فنی مورد استفاده به منظور خلق آن، بلکه به واسطه قدرت پیامی که دارد، قضاوت شود.



اندی وار هول، اثر دو تکه ای مرلین^۱ (۱۹۶۲)، بنیاد هنرهای تجسمی اندی وار هول^۲

نگاه کردن به هنر

به منظور نگاه کردن به هنر و لذت بردن از آن نیاز نیست مورخ هنر یا حتی هنرمند بود. مردم در موزه ها به دلایل بسیار زیادی جذب آثار هنری بخصوص می شوند. شاید یکی از بهترین شیوه های فکر کردن درباره هنر، در نظر گرفتن واکنش شخصی فرد به یک اثر و دلیل چرایی جذاب یا جالب بودن یا نبودن آن باشد. همچنین ممکن است بینندگان، درباره عنوان اثر، زندگی هنرمند و دوره ای زمانی بیندیشند که اثر در آن خلق شد. ممکن است، ترکیب بندی اثر، ایجاد خطوط و اشکال و الگوها، بافت ها و رنگ های آن را نیز در نظر بگیرند.

1. Marilyn Diptych
2. The Andy Warhol Foundation for the Visual Arts

بستر

در پایان کار، هنر، هم برای خالق و هم برای مخاطب، امری ذهنی است. هنگامی که هنرمندان آثار خود را خلق می کنند، جهان را آن طور تفسیر می کنند که می بینند یا احساسات یا ناخودآگاه خود را به تصویر می کشند. پیشینه ها و تجربه های شخصی ما به نحوه نگریستن ما شکل می دهد. به این صورت، به منظور درک پیامی که اثری هنری در صدد انتشار آن است، باید از پیشینه هنرمند و جایگاه وی در تاریخ آگاه بود.

به عنوان مثال، در ۱۹۹۹ موزه بروکلین^۱ نمایشگاهی برگزار کرد که شامل اثری به نام *مریم باکره مقدس*^۲ از هنرمند بریتانیایی کریس اوفیلی^۳ بود. اثر اوفیلی به دور از نقاشی های رنگ روغن مذهبی قرون وسطی، با استفاده از چندین واسط مختلف شامل رنگ، اشیای درخشان و کولاژ^۴، *مریم باکره مقدس* سیاه پوست به تصویر کشید. تصویر بر روی دیوار نصب نشد، بلکه بر روی دو کپه مدفوع خشک شده فیل قرار گرفت. این اثر هم با تشویق و هم با خشم مواجه شد. از نظر بسیاری، این اثری هتاکانه بود. اما هدف هنرمند از این اثر، به تصویر کشیدن *تقدس [مریم] باکره* بود. به علاوه این که، مدفوع فیل که افراد بسیاری را خشمگین کرده بود، در واقع در زیمبابوه^۵ مقدس است.



نقاشی *مریم باکره مقدس* [بخشی از اثر] کریس اوفیلی هنگامی که برای اولین بار به نمایش درآمد باعث بحث و جدل شد، با این حال بسیاری از منتقدان آن درباره بستر پیام خالق آن دچار سوء تفاهم شدند.

1. Brooklyn Museum
2. The Holy Virgin Mary
3. Chris Ofili
4. collage
5. Zimbabwe

هنر چیست؟ ■ ۹

مشابه آن، این که چه چیزی هنر در نظر گرفته شود، بحثی متغیر است. در هر فرهنگ و در هر دوره زمانی فرق می‌کند. حتی در داخل یک فرهنگ واحد، هم زمان، مردم در این باره که چه چیزی باید هنر در نظر گرفته شود اختلاف نظر دارند. هنگامی که کلود مونه^۱ برای اولین بار / امپرسیون: طلوع خورشید^۲ (۱۸۷۲) را در نمایشگاهی در ۱۸۷۴ در معرض دید قرار داد، منتقدان از آن متنفر شدند. اثر مونه به قدری با کار طبیعت‌گرایانه^۳ هنرمندان غربی آن زمان تفاوت داشت که مردم آن را اثر هنری واقعی در نظر نگرفتند. با این حال امروزه منتقدان، مونه را یکی از هنرمندان راهبر تمام اعصار در نظر می‌گیرند.



امپرسیون: طلوع خورشید اثر کلود مونه هنگامی که برای اولین بار به نمایش گذاشته شد مورد انزجار منتقدان قرار گرفت. اما مونه به تلاش خود ادامه داد تا این که یکی از مهم‌ترین هنرمندان تاریخ شد.

1. Claude Monet
2. Impression: Sunrise
3. naturalist

در سراسر تاریخ، آن‌هایی که شهامت این را داشته‌اند که از تعریف هنر در دوره زمانی خود فراتر گام بردارند، با اهانت مواجهه شده‌اند. با این حال، این‌ها همان هنرمندانی هستند که هنر را به مسیرهای جدید می‌کشاند، جنبش‌های هنری جدیدی به راه می‌اندازند و صفحات کتاب‌های تاریخ هنر را به خود اختصاص می‌دهند. بنابراین هنر یعنی تخیل انسان در عمل. هنر، تجلی ایده‌ها و احساسات هنرمند است که از طریق چشم‌های خود در دوره زمانی خاصی، جهان را منعکس می‌کند.

کاوش در هنر غربی

مطالعه هنر، سفری به سوی تاریخ بیان، آزمایش و تخیل بشر است. دامنه تاریخ هنر، سراسر جهان را شامل می‌شود و تاریخ بشر را تا خاستگاه‌های آن دنبال می‌کند. ریشه‌های تاریخ هنر غربی در اروپا است. این هنر شامل هنر ایالات متحده و شمار وسیعی از اروپایی‌های مهاجرت کرده به ایالات متحده است که با خود، تأثیرات اروپایی به همراه آوردند.

تاریخ هنر غربی به صورت روایتی از جنبش‌های هنری متوالی، قابل بیان است که با هنر پیش از تاریخ آغاز، با آثار هنری تمدن‌های یونانی و رومی ادامه یافت و با هنر معاصر دهه ۲۰۰۰ پایان یافت. مورخان هنر اغلب درباره تعاریف و تاریخ‌های خاص این جنبش‌ها اختلاف نظر دارند. اما آن‌ها بر سر شرایط و تاریخ‌های کلی معرف این جنبش‌ها توافق دارند. البته این ویژگی‌های اختصاصی، به منظور درک هنر ضرورتی ندارد. چیز ضروری، بستری است که اثری هنری در آن خلق شد. هنرمند چه کسی بود؟ پیشینه آن فرد چه بود؟ اثر هنری در چه زمان و مکانی خلق شد؟ در آن زمان در جهان چه اتفاقی رخ می‌داد؟ همواره باید در نظر داشت که داستان چه کسی و از چه منظری آشکار می‌شود. همچنین باید پذیرفت که راه‌های زیادی به منظور تفسیر اثری هنری وجود دارد.

عبور از آرمان های کلاسیک

تغییرات سیاسی، مذهبی و اجتماعی در طول قرن های پس از رنسانس در سراسر اروپا گسترش یافت. کشورها هویت و اقتدار خود را نشان می دادند. مردم سوء استفاده کلیسای کاتولیک از قدرت را زیر سؤال می بردند و دغدغه های سکولار اهمیت بیشتری یافت. طبقه متوسط جدید که هم باسواد و هم از نظر مالی باثبات بود، به رشد خود ادامه داد.

طبقه ای از هنرمندان نیز پدیدار شد. بسیاری از هنرمندان زیر دست اساتید هنرمند در اماکنی به نام کارگاه تمرین و کار کردند. خانواده ها گاهی فرزندان خود (بیشتر، پسران) را در سنین پایینی نظیر ۱۲ سالگی به شاگردی می فرستادند. این کار شامل مراقبت از مغازه و پادویی می شد هیچ ربطی به هنر نداشت. اما هنگامی که هنرمندان جوان مهارت به دست می آوردند از فرصت یادگیری مستقیم از استاد برخوردار می شدند.

سرانجام در صورتی که آتیه دار بودن خود را به نمایش می گذاشتند، می توانستند در جوانب ساده تر اثری هنری به استاد کمک کنند. در پایان، هنگامی که شاگردان قادر به خلق اثری می شدند که توسط جامعه هنری به عنوان هنر پذیرفته می شد، خود، استاد می شدند. آکادمی های هنر نیز در این زمان محبوبیت یافت. این مدارس در یونان قرن ۴ ق.م. ریشه داشت که افلاطون^۱ فیلسوف در مدرسه ای به نام آکادامیا^۲ تدریس می کرد. بعدها در طول قرن های ۱۵ و ۱۶، مدارس به منظور تدریس و مطالعه هنر تأسیس شد. این مدارس که به نام آکادمی شناخته می شد بر مطالعه آثار کلاسیک، کپی برداری از آثار مشهور، ارزیابی توسط آموزگاران، درس - گفتار و نمایشگاه تأکید داشت. این نوع از آموزش رسمی، مسیر هنر غربی را به مدت چند قرن تعیین کرد.

-
1. Plato
 2. Academia



هنر و معماری باروک شامل جزئیات پرآب و تاب می شد، چنان که در کلیسای جامع سانتیاگو د کومپوستلا^۱ در اسپانیا مشاهده می شود.

1. Santiago de Compostela



پائولو ورونزه، ازدواج در کانا^۲ (۱۵۶۳ - ۱۵۶۲)، موزه لوور^۳ (بالا)
 پائولو ورونزه، بزم در خانه لوی^۴ (۱۵۷۳)، گالری دل آکادمیا^۵ (پایین)



1. Paolo Veronese
2. The Wedding at Cana
3. Louvre Museum
4. Feast in the House of Levi
5. Gallerie dell'Accademia



جاکوپو تینتورتو، سنت لوئیس از تولوز، سنت جورج و شاه‌دخت^۱ (۱۵۵۲)، گالری دل آکادمیا

1. Jacopo Tintoretto
2. St. Louis of Toulouse, St. George and the Princess

باروک

جنبش هنری باروک که در طول قرن ۱۶ پدیدار شد با تزئینات پرآب و تاب شناخته می شد. در حالی که هنرمندان رنسانس با دقت و نظم هنر کلاسیک سروکار داشتند، هنرمندان عصر باروک (۱۶۰۰ - ۱۷۵۰)، هیجان، نمایش و تزئینات زیاده از حد را در دستور کار خود قرار دادند.

یکی از بزرگ ترین هنرمندانی که در طول این دوره پدیدار شد، میکلانجلو مریسی دا کاراواجو^۱ نقاش ایتالیایی بود. گذشته او پرحادثه و خشن بود و سنت های کلاسیک رنسانس را رد می کرد. بر خلاف طبیعت گرایی آرمانی شده رنسانس که تصاویر اشراف و زیبایی جهان طبیعی را به تصویر می کشید، کاراواجو مردم عادی را به سبک طبیعت گرایانه جدیدی نقاشی می کرد. او جهانی که می شناخت را می کشید، نه جهانی آرمانی شده را. کاراواجو همچنین به دلیل استفاده ماهرانه خود از نور به منظور ترسیم موضوعات معنوی شناخته می شود.

کار او در ابتدا [درباره موضوعات] غیر مذهبی بود. اما در ۱۵۹۹ اولین سفارش کلیسایی خود را دریافت کرد. از آن نقطه به بعد، در کشیدن نقاشی های مذهبی برای کلیسا متخصص شد. یکی از اولین [نقاشی] های او *صدا زدن متی*^۲ بود که حدود ۱۶۰۰ تکمیل شد. این نقاشی، لحظه اولین ملاقات میان مسیح و متای حواری را به تصویر می کشد. اما این کار را هم از نظر نورپردازی و هم موضوع، به شیوه ای به کل معاصر انجام می داد. به نمایش گذاشتن اشعه نور و سایه توسط کاراواجو که محتوای معنوی الهی تصویر را منتقل می کند، در کنار جهان روزمره تاریک و دنیوی و مردم عادی قرار می گیرد. به علاوه، تصویر، بدون هیچ کلامی، روایتی مهیج خلق می کند.

1. Michelangelo Merisi da Caravaggio
2. The Calling of Saint Matthew



کاراواجو، صلا/ زدن متی (۱۶۰۰ - ۱۵۹۹)، نیايشگاه کوننارلی، کلیسای سان لوتیجی دئی فرانسسی^۱



آرتمیسیا جنتیلسکی^۱
آرتمیسیا جنتیلسکی نقاش
موفقی در طول عصر باروک در
رم بود. با وجود مهارت و
سفارشاتى که از حامیان
ثروتمند دریافت می کرد،
اعتقاد داشت به خاطر جنسیت
خود برخوردی غیر منصفانه با
وی می شد. به عنوان مثال،
یکی از حامیان او یک بار از
نقاش دیگری خواست از یکی
از نقاشی های جنتیلسکی کپی
کند. جنتیلسکی نوشت: «اگر
من مرد بودم، فکر نمی کنم
این گونه می شد.»^(۹) با این
حال، اولین زنی بود که وارد
آکادمی طراحی^۲ در فلورانس
شد.

آرتمیسیا جنتیلسکی، جودیت و خدمتکار او^۳

(۱۶۲۵)، مؤسسه هنرهای دیترویت^۴

1. Artemisia Gentileschi
2. Accademia del Disegno / Academy of Drawing
3. Judith and her Maidservant
4. Detroit Institute of Arts

ال گرکو، تعمید مسیح^۲
(۱۶۱۴)، موزه بنیاد لرما^۳



1. El Greco
2. The Baptism of Christ
3. Lerma Foundation Museum



پارمیجانینو، افتادن سنت پل^۲ (۱۵۲۸ - ۱۵۲۷)، موزه تاریخ هنر وین

1. Parmigianino
 2. Spill of Paul
-

بین پیکرتراشان عصر باروک، جیان لورنزو برنینی^۱ به عنوان یکی از بهترین ها ظاهر شد. علاوه بر تزئینات مفصل او در بازیلیکای جدید سنت پیتر و سایر کلیساها در سراسر رم، کار او به عنوان پیکرتراش، روح زمان را در خود ثبت کرد. منتقدان، مجسمه داوود (۱۶۲۴) او را با داوود دوناتلو و میکلائو مقایسه کرده اند. در حالی که داوود دوناتلو مارییچ و باوقار است و داوود میکلائو پیکر انسانی آرمانی کلاسیک است، داوود برنینی حالتی تهاجمی دارد و آماده حمله است. صورت او درهم کشیده و جدی است. این پیکر بسیار واقع گرایانه است.

جیان لورنزو برنینی، داوود
(۱۶۲۳ - ۱۶۲۴)، گالری بورگزه^۲
رم



1. Gian Lorenzo Bernini
2. Borghese Gallery

عبور از آرمان های کلاسیک ■ ۷۱

با گسترش هنر و معماری باروک در کل اروپا، پادشاه لویی چهاردهم^۱ از هنر به عنوان انتقال جلال و قدرت پادشاهی در فرانسه استفاده کرد. او به یکی از بزرگ ترین حامیان هنر باروک تبدیل شد. بزرگ ترین پروژه او کاخ ورسای^۲ بود. این سازه مانند تمام آثار معماری باروک دارای ابعاد عظیم است و با مواد فراوان تزئین شده است. این کاخ عظیم بیش از ۴۰۰ متر طول دارد.^(۱۰) دارای تالار آئینه ۷۳ متری است که باغ ها و آفتاب بیرون را انعکاس می دهد.^(۱۱) این کاخ به طور فراوانی با نقاشی های دیواری، چلچراغ ها و مبلمان پرزرق و برق تزئین شده است. حیاط آن شامل یک پارک با چشم انداز طبیعی است که چندین کیلومتر از کاخ امتداد می یابد. ساخت این کاخ ۱۵ سال طول کشید و در ۱۶۸۵ تکمیل شد.

تالار آئینه کاخ ورسای



1. Louis XIV
2. Palace of Versailles

در هلند، هنرمندان باروک تکامل بیشتری یافتند و از قرن ۱۷ تا ۱۸ بر پرتره، طبیعت بی جان و مناظر طبیعی تمرکز کردند. یکی از متنفذترین و مشهورترین این هنرمندان رامبرانت هارمنزون ون راین^۱ بود. او به عنوان استادی هنرمند، نه فقط شاگردان خود را پرورش داد بلکه نقاشی های پرجزئیاتی کشید که بسیاری از آن ها مضامین مذهبی و نمادین داشت. او همچنین به دلیل پرتره های بسیار از خود و افراد هم عصر خود و به دلیل استفاده از نور و سایه، مشهور است.



رامبرانت، پاس شبانه^۲ (۱۶۴۲)، موزه ملی آمستردام^۳

1. Rembrandt Harmenszoon van Rijn
2. The Night Watch
3. Rijksmuseum / National Museum



رامبرانت، خودنگاره با دو دایره^۱
(۱۶۶۹ - ۱۶۶۵)، کنوود هاوس^۲ (بالا)

پیتر پل روبنس^۳، پیرزن و پسر با شمع^۴
(۱۶۱۷ - ۱۶۱۶)، گالری تصویر
سلطنتی مائریتشویس^۵ (پایین)



-
1. Self-Portrait with Two Circles
 2. Kenwood House
 3. Peter Paul Rubens
 4. Old woman and boy with candles
 5. Royal Picture Gallery Mauritshuis



یوهانس ورمیر، زن شیردوش^۲ (۱۶۵۸ - ۱۶۵۷)، موزه ملی آمستردام

-
1. Johannes Vermeer
 2. The Milkmaid



آنتونی ون دایک، گذاشتن تاج خار بر سر مسیح^۲ (۱۶۲۰)، موزه پرادو

-
1. Anthony van Dyck
 2. Christ Crowned with Thorns

هنرمند بزرگ دیگری در این دوره یک زن بود؛ جودیت لیستر^۱. آثار او نمونه بارز آن دوره بود که صحنه های زندگی روزمره سرزنده و همچنین خودنگاره خود را که در حدود ۱۶۳۳ تکمیل شد و اکنون شهرت دارد نیز ترسیم کرد. لیستر نه فقط نقاش مستعدی بود، بلکه کارگاه خود را داشت و به شاگردان خود درس می داد. با این حال چنان که در آن دوره بارز بود، نقاشی های او پس از ازدواج کمتر شد. آثار او به هنرمند دیگری نسبت داده می شد و تا ۱۸۹۳ از نو کشف نشد.

جودیت لیستر،
پرتره از خود
(۱۶۳۳)، گالری ملی
لندن



1. Judith Leyster



دیگو ولاسکز، پرتره /ینوسنت دهم^۱ (۱۶۵۰)، گالری دوریا پامفیلی^۲

-
1. Diego Velázquez
 2. Portrait of Innocent X
 3. Doria Pamphilj Gallery



ژان اونوره فراگونار، کتابخوان^۱، کتابخوان^۲ (۱۷۷۲ - ۱۷۷۰)، گالری ملی هنر واشینگتن

-
1. Jean-Honoré Fragonard
 2. The Reader

آنتوان واتو، کم‌دین‌های
ایتالیایی^۲ (۱۷۲۰)، گالری
ملی هنر واشینگتن (بالا)

جووانی باتیستا تیه پولو،
ضیافت کلئوپاترا^۴ (۱۷۴۴)
- (۱۷۴۳)، گالری ملی
ویکتوریا، استرالیا (پایین)



1. Antoine Watteau
2. The Italian Comedians
3. Giovanni Battista Tiepolo
4. The Banquet of Cleopatra
5. National Gallery of Victoria



توماس گینزبورو^۱، بانو گراهام شریف^۲ (۱۷۷۵)، گالری ملی اسکاتلند^۳ (راست)
الیزابت لوئیس ویژه لوبرن^۴، ماریا لوئیسا دی بوربون، شاه‌نخت دو سیسیل^۵ (۱۷۹۰)، موزه ملی کاپودیمونته (چپ)

-
1. Thomas Gainsborough
 2. The Honourable Mrs Graham
 3. Scottish National Gallery
 4. Élisabeth Louise Vigée Le Brun
 5. Maria Luisa di Borbone, Princess of the Two Sicilies



فرانسوا بوشه، پرتره مادام پمپادور^۲ (۱۷۵۶)، موزه آلته پیناکوتیک، آلمان

1. François Boucher
2. Portrait of Madame de Pompadour
3. Alte Pinakothek



نیکولا پوسن^۱، مرگ ژرمنیکوس^۲ (۱۶۲۷)،
مؤسسه هنر مینیاپولیس^۳ (بالا)

آنتون رافائل منگس^۴، رویای حضرت یوسف^۵
(۱۷۷۴ - ۱۷۷۳)، موزه تاریخ هنر وین (پایین)



1. Nicolas Poussin
2. The Death of Germanicus
3. Minneapolis Institute of Art
4. Anton Raphael Mengs
5. The Dream of St. Joseph



ژاک لویی داوید، مرگ سقراط^۲ (۱۷۸۷)، مؤسسه
هنر متروپولیتن^۳، آمریکا (بالا)

ژان آگوست دومینیک انگر، ناپلئون بر تخت
امپراتوری^۵ (۱۸۰۶)، موزه نظامی^۶ (پایین)



-
1. Jacques-Louis David
 2. The Death of Socrates
 3. Metropolitan Museum of Art
 4. Jean-Auguste-Dominique Ingres
 5. Napoleon on his Imperial throne
 6. Musée de l'Armée / Army Museum



دانته گابریل روزتی^۱،
رویای روز^۲ (۱۸۸۰)، موزه
ویکتوریا و آلبرت^۳

1. Dante Gabriel Rossetti
2. The Day Dream
3. Victoria and Albert Museum



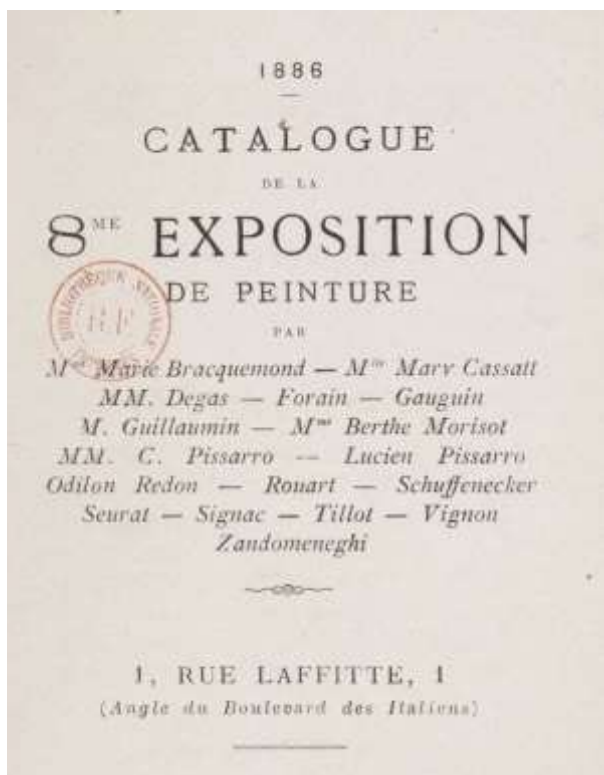
جان اورت میله،^۱ /وفلیا^۲ (۱۸۵۱)، موزه تیت بریتانیا^۳ (بالا)
جان ویلیام واترهاوس^۴، اولیس و سیرن ها^۵ (۱۸۸۰)، گالری ملی ویکتوریا (پایین)

-
1. John Everett Millais
 2. Ophelia
 3. Tate Britain
 4. John William Waterhouse
 5. Ulysses and the Sirens

امپرسیونیسم و پس از آن

تا اواسط قرن ۱۹، هنر آکادمیک بر عرصه هنری حاکم بود. هنر توسط مدارس هنری تدریس و از طریق نمایشگاه‌ها ترویج می‌شد که در فرانسه سالن^۱ نام داشت. آثار آکادمیک بر

موضوعات و شگردهای سنتی ریشه دار در رنسانس تمرکز داشت. با این حال برخی هنرمندان اقدام به کاوش در فرم‌های مختلف بیان هنری کردند. این هنرمندان از ورود به سالن‌ها به طور مرتب منع می‌شدند زیرا آثارشان از استانداردهای زمانه بسیار دور بود. در واکنش به این مردود شدن‌ها، گروهی از هنرمندان نمایشگاه خود را در پاریس برپا کردند. نمایشگاه‌های امپرسیونیست^۲ هر سال یا دو سال یک بار در سال‌های ۱۸۷۴ - ۱۸۸۶ برپا شد.



پوستر هشتمین نمایشگاه امپرسیونیست‌ها با حضور تعدادی از هنرمندان شناخته شده این سبک در ۱۸۸۶

1. salon
2. Impressionist



هنرمندان امپرسیونیست نظیر کلود مونه با آثاری از قبیل زن با یک چتر آفتابی^۱ (۱۸۸۶) در هنر انقلاب کردند.

1. Woman with a Parasol

واژه امپرسیونیست در واقع برگرفته از اولین نمایشگاه آن‌ها بود که در ۱۸۷۴ هنگامی برگزار شد که کلود مونه اثری تحت عنوان *امپرسیون: طلوع خورشید* (۱۸۷۲) را به نمایش گذاشت. این نقاشی با آثار دقیق طبیعت‌گرایانه هنرمندان غربی در گذشته تفاوتی بسیار داشت. این نقاشی دو بعدی به نظر می‌رسد و بر نور و رنگ طلوع آفتاب بر سطح آب تأکید می‌کند. منتقدان، اثر مونه و آثار سایرین در نمایشگاه را تحقیر کردند. منتقدی با اشاره به عنوان اثر مونه، نمایشگاه را «امپرسیونیست» نامید که هدف او توهین بود. اما هنرمندان با خوشحالی این واژه را به عنوان نام جنبش خود برگزیدند زیرا این نام، نیت آن‌ها را منعکس می‌کرد: ثبت «دریافت [یا امپرسیون]» یک لحظه از صحنه توسط نقطه‌های رنگی به منظور شبیه‌سازی جلوه‌های انواع مختلف نور.

امپرسیونیست‌ها چنان شیفته تعامل نور و رنگ بودند که از رنگ سیاه که از نظر علمی، نبود رنگ در نظر گرفته می‌شود به هیچ وجه استفاده نمی‌کردند.



کلود مونه، *امپرسیون: طلوع خورشید* (۱۸۷۲)، موزه مارموتان مونه^۱

زندگی روزمره

مورخان هنر اغلب مونه را آغازگر جنبش هنری امپرسیونیست می‌دانند. او قوانینی را رد کرد که انتظار می‌رفت هنرمندان از آن پیروی کنند. وی به طور مرتب با سایر هنرمندان از قبیل پل سزان^۲، پیر آگوست رنوار^۳ و... در کافه ای در پاریس ملاقات می‌کرد. این همان گروهی

1. Musée Marmottan Monet
2. Paul Cézanne
3. Pierre-Auguste Renoir

از هنرمندان است که از ۱۸۷۴ پس از رد شدن توسط سالن ها با همدیگر نمایشگاه برگزار کردند. آن ها در کاوش در محدوده های جدید هنر، با مونه علاقه مشترک داشتند. هنرمندان امپرسیونیست با گسترش ایده واقع گرایی که پیش تر در همان قرن ابداع شده بود، از آثار خود در تلاش به منظور ثبت لحظه ای در زمان استفاده کردند.



پل سزان، ورق بازا^۱ (۱۸۹۵ - ۱۸۹۲)، مؤسسه هنر کورتولد^۲

1. The Card Players
2. Courtauld Institute of Art

نقاشی های رنوار در لذت زندگی و اوقات فراغت کاوش می کرد. او صحنه هایی از سالن های رقص، کنسرت، اوپرا و از این قبیل را نقاشی می کرد. نقاشی های او نظیر *ناهار در اسکله قایقرانی*^۱ (۱۸۸۱) با استفاده از نور و رنگ، جو شاد صحنه های روزمره آفتابی را القاء می کرد. رنوار با استفاده از ضربات نرم قلم مو که به اثری ختم می شد که گویی زودگذر و آنی بود، پیکرهایی اندکی محو خلق می کرد.



چنان که در نقاشی *ناهار در اسکله قایقرانی* پیر آگوست رنوار مشاهده می شود، هنرمندان امپرسیونیست از آثار خود به منظور ثبت لحظات واقع گرایانه در زمان استفاده می کردند.

مری کست^۱ هنرمند آمریکایی نیز با امپرسیونیست ها نمایشگاه برگزار می کرد، اما نمی توانست با هنرمندان مرد در کافه ها وقت بگذراند زیرا رسوم آن زمان اجازه نمی داد. آثار او صحنه های مربوط به حوزه زنانه را در آن زمان به نمایش می گذارد. این تمرکز بر صحنه های خانگی^۲ برای او ابزاری به منظور ترفیع اهمیت زن در جامعه بود.



مری کست، چای^۳ (۱۸۸۰)، موزه هنرهای زیبا، بوستون^۵

1. Mary Cassatt
2. domestic
3. Tea
4. Museum of Fine Arts
5. Boston



فردریک بازیل^۱، منظره ایگوس مورتس^۲ (۱۸۶۷)، موزه فابر (بالا)
کلود مونه، نیلوفرها^۳ (۱۹۱۷ - ۱۹۱۹)، موزه هنرهای زیبای هونولولو^۴، هاوایی (پایین)



1. Frédéric Bazille
2. Landscape of Aigues-Mortes
3. Water Lilies
4. Honolulu Museum of Art



گوستاو کالیبو،
پرتره هایی در
حومه شهر^۲
(۱۸۷۶)، موزه
بارون ژرارد^۳
(بالا)



آلفرد سیسله^۴،
زنان در حال
رفتن به جنگل^۵
(۱۸۶۶)، موزه
آرتیزون^۶، ژاپن
(پایین)

1. Gustave Caillebotte
2. Portraits in the Countryside
3. Baron Gérard Museum
4. Alfred Sisley
5. Women Going to the Woods
6. Artizon Museum

نور و رنگ

یکی از کلیدهای جنبش امپرسیونیست، آزمایش با نور و رنگ بر روم بوم بود. به این منظور، نور در واقع به موضوع برخی نقاشان تبدیل شد. هنرمندان به دنبال ثبت جلوه های نور طبیعی بر موضوعات و رنگ های حاصل از نور بودند. مونه به هنرمندی گفت: «هنگامی که برای نقاشی کردن بیرون می روی، سعی کن فراموش کنی چه چیزی در روبرو قرار دارد - درخت، خانه، مزرعه یا هر چیزی. فقط [این طور] فکر کن که تکه کوچکی آبی، تکه درازی صورتی، رگه ای زرد وجود دارد و رنگ درست همان طوری است که به نظر می رسد؛ نور و شکل دقیق، تا زمانی که برداشت خام از صحنه پیش رو ایجاد شود».^(۱۲)

کلود مونه، کانال بزرگ ونیز^۱ (۱۹۰۸)، موزه هنرهای زیبای ماساچوست^۲



1. Le Grand Canal / Grand Canal
2. Massachusetts Fine Art Museum

این روش به تصویر کشیدن صحنه نیز نحوه در نظر گرفتن هنر توسط مردم را تغییر داد. به طور سنتی قرار بود هنر مانند نگاه از دریچه ای به جهان باشد. اما هنرمندان امپرسیونیست فقط منظره طبیعی نمی کشیدند. آن ها احساس حاصل از منظره طبیعی در یک لحظه از زمان را ترسیم می کردند.

کامیل پیسارو، بلوار مونمارت، صبح، هوای ابری^۱ (۱۸۹۷)، گالری ملی ویکتوریا

نقاشی در فضای بیرون جای تعجب ندارد که امپرسیونیست ها که بسیار شیفته بازی نور و رنگ بودند، کار در فضای بیرون را ترجیح می دادند. درست همان طور که آثار ایشان به مثابه گسستی از سنت بود، این انتخاب کار در فضای آزاد نیز این چنین بود. امپرسیونیست هایی از قبیل مونه بخش اعظم کار خود را در بیرون انجام می دادند تا لحظه را ثبت کنند، با این حال، اغلب به کارگاه بازمی گشتند تا اثر خود را پرداخت کنند. این سبکی است که هنوز بسیار از هنرمندان معاصر از آن استفاده می کنند.



1. Boulevard Montmartre, Morning, Cloudy Weather



ادوارد مانه^۱، قایق سواری^۲ (۱۸۷۴)، موزه هنر متروپولیتن (بالا)
ادگار دگا^۳، پیش از مسابقه^۴ (۱۸۸۲ - ۱۸۸۴)، موزه هنر والترز^۵ (پایین)



1. Édouard Manet
2. Boating
3. Edgar Degas
4. Before the Race
5. Walters Art Museum



برت موریسو، روز تابستانی (دریاچه در بواز دبولوین)^۱، گالری ملی لندن (بالا)

آرمان گیومن^۲، رود سن^۳ (۱۸۹۰)، موزه اسرائیل^۵ (پایین)

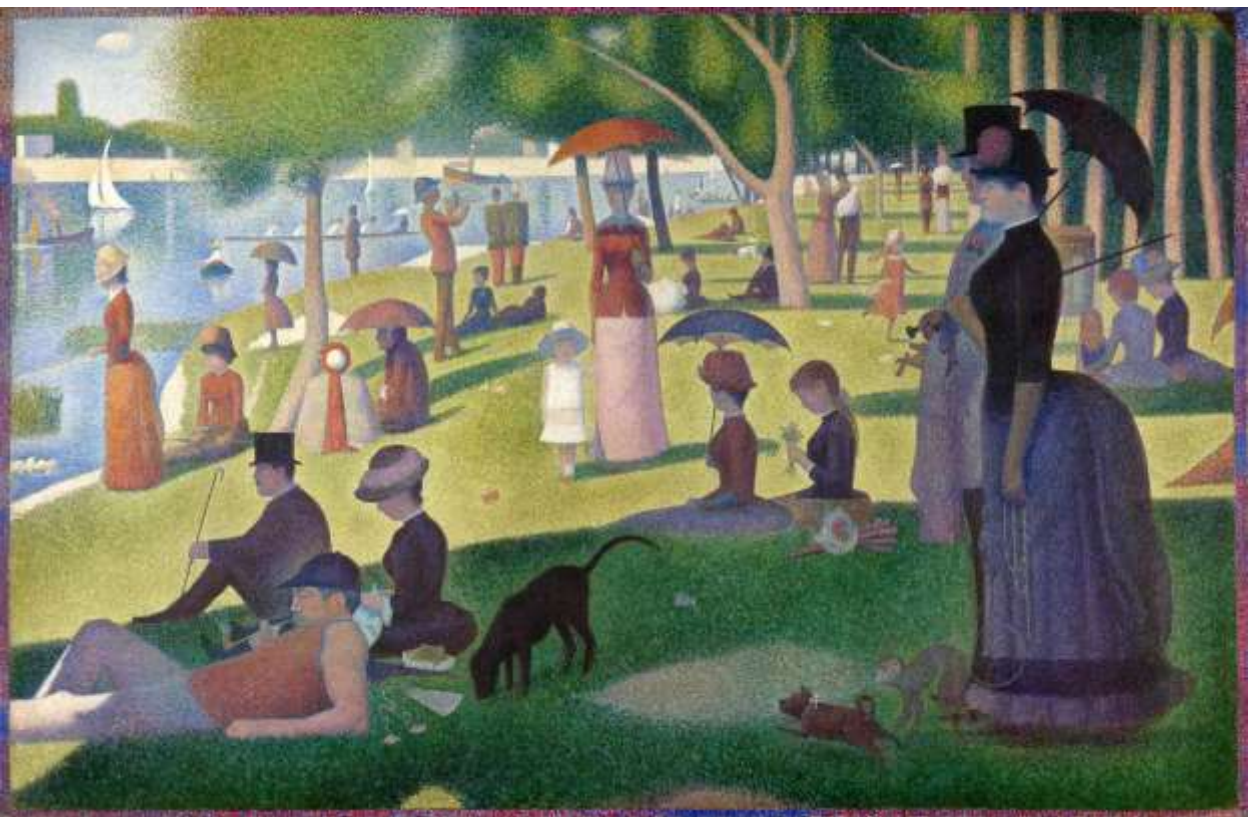


1. Berthe Morisot
2. Summer-day (The Lake in the Bois de Boulogne)
3. Armand Guillaumin
4. River Scene
5. Israel Museum

می‌آزمود. طبق یکی از این نظریه‌ها، چشم‌ها، بسته به رنگ پیرامون خود، رنگ‌ها را متفاوت می‌بینند. به علاوه این‌که، چشم‌ها با دیدن رنگ‌های مکمل^۳، مستعد «ترکیب کردن» آن‌ها هستند. سورا آثار استادانه‌ای نظیر *یکشنبه در گراند ژات*^۴ (تکمیل در ۱۸۸۶) خلق کرد که مشکل از نقاط ریز صرف است.

پوینتیلیسم^۱ درست همان‌طور که امپرسیونیست‌ها با رنگ‌آزمایش می‌کردند، ژرژ سورا^۲ نیز چنین می‌کرد. اما او بر خلاف دیگران از هزاران نقطه استفاده می‌کرد. این شیوه استفاده از نقاط رنگ به منظور ایجاد یک تصویر، پوینتیلیسم نامیده می‌شود. این تکنیک، نظریه‌های در حال ظهور درباره رنگ را

ژرژ سورا، *یکشنبه در گراند ژات* (۱۸۸۶)، مؤسسه هنر شیکاگو^۵

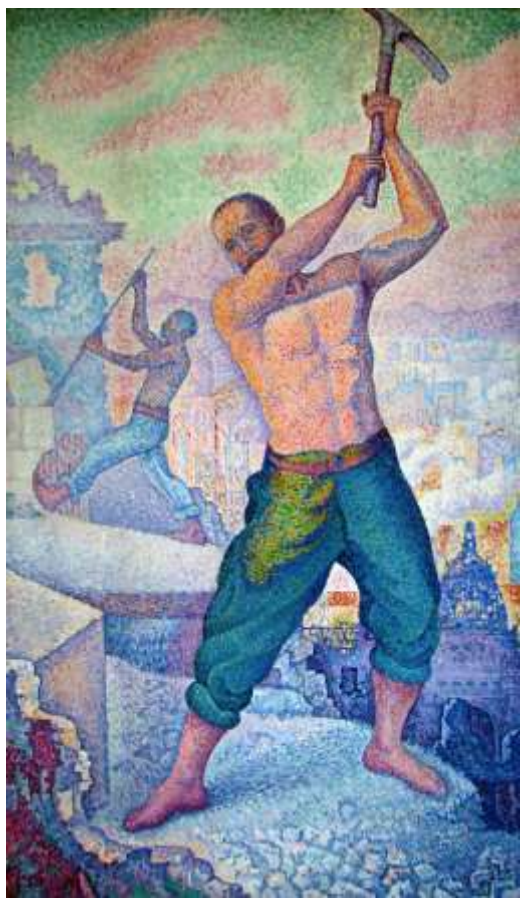


1. Pointillism
2. Georges Seurat
3. complementary colors
4. A Sunday on La Grande Jatte
5. Art Institute of Chicago



پل سینیاک^۱، کاج در سن تروپز^۲ (۱۹۰۹)، موزه هنر پوشکین^۳ (بالا)

پل سینیاک، تخریبگر^۴ (۱۸۹۹ - ۱۸۹۷)، موزه هنرهای زیبای نانسی^۵
(پایین)



1. Paul Signac
2. The Pine Tree at Saint Tropez
3. Pushkin Museum of Fine Arts
4. The demolisher
5. Museum of Fine Arts of Nancy

پسا امپرسیونیست ها^۱

یکی از میراث های جنبش امپرسیونیست این بود که هنرمندان از اقتضائات آکادمی ها و سالن ها آزادتر می شدند. این امر به آن ها اجازه می داد فرم های آفرینش هنری خود را دنبال کنند. بسیاری از هنرمندان در دوره امپرسیونیست، در تکنیک های جدید کاوش کردند. هنرمندانی از قبیل سزان، پل گوگن^۲، ونسان ون گوگ^۳ و سایرین در دهه های ۱۸۹۰ - ۱۸۸۰، تمرکز امپرسیونیست ها بر ثبت نور و رنگ یک لحظه واحد را رها کردند. آن ها به رویکرد دانشورانه تری در قبال هنر رو آوردند که ساختارمندتر بود. سبک های این هنرمندان مختلف بود، اما در مجموع، کار آن ها بیانگر عصر جدیدی از سبک های انتزاعی مملو از احساس و نمادگرایی^۴ بود. با وجود این که ون گوگ در سراسر عمر خود فقط یک نقاشی فروخت، اما مشهورترین نماینده جنبش پسا امپرسیونیسم شد.



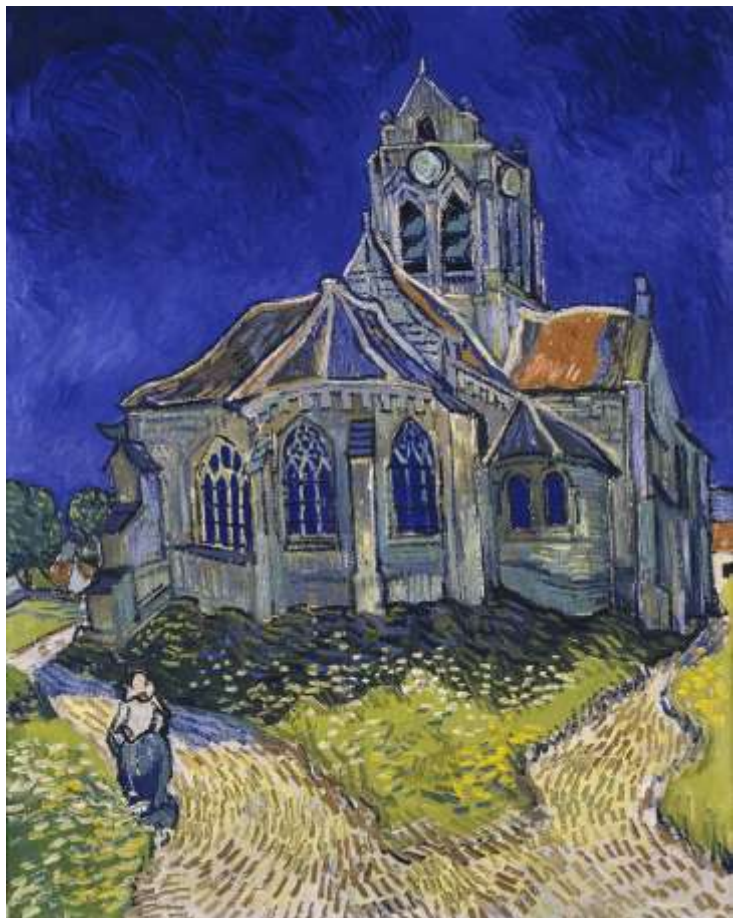
پل گوگن، رویای پس از
موعظه (یعقوب در حال
کشتی با فرشته)^۵
(۱۸۸۸)، گالری ملی
اسکاتلند

1. Post-Impressionists
2. Paul Gauguin
3. Vincent van Gogh
4. symbolism
5. Vision After the Sermon / Jacob Wrestling with the Angel



امیل برنار^۱، کشاورزان برتون در چمنزار^۲
 (۱۸۹۲)، مجموعه جوزفویتس^۳ (بالا)

ونسان ون گوگ، کلیسا در اُور^۴ (۱۸۹۰)،
 موزه اورسه (پایین)



1. Emile Bernard
2. Breton Peasants in a Meadow
3. Josefowitz Collection
4. The Church at Auvers



ونسان ون گوگ، شب پرستاره^۱ (۱۸۸۹)، موزه هنر مدرن نیویورک

شب پرستاره

ونسان ون گوگ در تمام مدت زندگی خود با مشکلات روانی و افسردگی دست و پنجه نرم می کرد. در حقیقت، او شب پرستاره را در ۱۸۸۹ از پنجره آسایشگاهی نقاشی کرد که خود را در آن بستری کرده بود. این نقاشی وضعیت روانی او را در آن زمان به خوبی انعکاس می دهد. این اثر با استفاده از ضربات ضخیم قلم مو و رنگ مختص او، صحنه ای که مشاهده می کرد را به طور لزوم به نمایش نمی گذارد، بلکه احساس او در اثر نگاه کردن از پنجره به بیرون را ثبت می کند. اثر ون گوگ یکی از اولین آثار هنری اکسپرسیونیست^۳ است که هنرمند با آن، به جای فرم هایی که عینیت را نشان می دهد، احساسات را بیان می کند.

1. The Starry Night
2. Museum of Modern Art (MoMa)
3. expressionist art

ون گوگ در واقع آموزش دید تا کشیش شود، اما اخراج شد و در عوض به هنر رو آورد. سرانجام، بیش از ۱۰۰۰ اثر خلق کرد که بسیاری از آن‌ها دارای سبکی تا حدی انتزاعی، متشکل از رنگ روشن و ضربات ضخیم قلم مو بود که خود ابداع کرده بود. سزان در مراحل اولیه کار خود به امپرسیونیسم و استفاده آن از رنگ‌های سرزنده رو آورد. اما آثار او چندان شناخته نشد و سرآخر از جمع همکاران خود خارج شد. در این زمان سبک خود را ابداع کرد که شامل ساخت فرم با رنگ و آزمایش کردن تغییرات ظریف در رنگ مایه^۱ می شد. سبک سزان با مجموعه آثاری از طبیعت بی جان^۲ رشد کرد.



پل سزان، طبیعت بی جان با پرده^۳ (۱۸۹۸)، موزه هرمتاژ^۴

1. tone
2. still life
3. Still Life with Curtain
4. Hermitage Museum



ادوارد ویار، لباس گلدار^۲ (۱۸۹۱)،

موزه هنر سائوپائولو^۳، برزیل (بالا)

آنری دو تولوز لوترک^۴، تخت خواب^۵

(۱۸۹۳)، موزه اورسه (پایین)

1. Edouard Vuillard
2. The Flowered Dress
3. Museo de Arte de Sao Paulo / São Paulo Museum of Art
4. Henri de Toulouse-Lautrec
5. The Bed

فوویسم^۱

اگرچه عمر جنبش فوو^۲ کوتاه بود، اما در اوایل قرن ۲۰ از کاربرد بیانگر رنگ توسط امپرسیونیست ها و پسا امپرسیونیست ها، در سطحی به کلی جدید استفاده کرد. در فوویسم، رنگ به تنها عنصر انتقال معنا و همچنین به نیروی یکپارچه نگه دارنده تصویر تبدیل شد. آنری [هانری] ماتیس^۳ رهبر غیر رسمی این جنبش بود و آثار وی از رنگ خیره کننده و اغلب رنگ پردازی غیر واقع گرایانه برخوردار بود. منتقدی فرانسوی که از «افراط رنگ های خالص» در آثار ماتیس و همکاران او عصبانی شده بود، تصاویر [آن ها] را «فووها» یا جانوران وحشی نامید. این نام بر روی آن ها ماند.^(۱۳)



آنری ماتیس، پرتره مادام ماتیس (خط سبز)^۴
 (۱۹۰۵)، گالری ملی دانمارک^۵

1. Fauvism
2. fauve
3. Henri Matisse
4. Portrait of Madame Matisse (The Green Line)
5. Statens Museum for Kunst / National Gallery of Denmark

سزان به منظور ایجاد احساس بُعد در آثار خود از درجه بندی رنگی در هر ضربه قلم مو استفاده کرد که با تضادهای نور و تاریکی در تعارض بود. بررسی روشمند بازی رنگ ها و الگوها توسط سزان و [همچنین] این که چشم چگونه آن ها را مشاهده می کند، در مناظر طبیعی او شامل آثاری نظیر کوه سن ویکتوری^۱ (۱۸۸۷) مشهود است. استفاده منحصر به فرد سزان از رنگ، بنیانی برای هنر انتزاعی در قرن ۲۰ شد.



پل سزان، کوه سن ویکتوری (۱۸۸۷)، مؤسسه هنر کورتولد



پیر بونار^۱، بالکن در گرس^۲ (۱۹۱۲)، مجموعه شخصی

-
1. Pierre Bonnard
 2. La Terrasse ou Une terrasse à Grasse



هنری روسو، ببر در توفان استوایی (متعجب!)^۲ (۱۸۹۱)، گالری ملی لندن

-
1. Henri Rousseau
 2. Tiger in a Tropical Storm (Surprised!)



برج ایفل^۱

درست همان طور که ابداع رنگ های جدید و سه پایه های متحرک شیوه کار نقاشان را متحول کرد، فناوری های جدید و استفاده از فولاد، معماران را در طول اواخر قرن ۱۹ دگرگون کرد. برج ایفل با ۳۰۰ متر ارتفاع در زمان ساخت خود در ۱۸۸۹ مرتفع ترین سازه جهان بود.^(۱۴) چارچوب فلزی آن شفافیت ایجاد می کند و تفاوت میان فضای درونی و بیرونی برج را محو می کند. ایفل که توسط آلکساندر گوستاو ایفل^۲ مهندس عمران و معمار فرانسوی طراحی شده، طراحی های معمارانه به کلی جدید را در قرن ۲۰ بنیان نهاد. برج ایفل که در ابتدا زشت و آزار دهنده در نظر گرفته می شد، ایده های به کلی بدیع را در طراحی معمارانه پایه نهاد.

1. Eiffel Tower
2. Alexandre-Gustave Eiffel